

جهان پس از ویروس کرونا

یووال نوح هراری / ترجمه فارسی: فراز عطار / برگرفته از سایت [تربیون زمانه](#)

گونه‌ی انسان هم‌اکنون با یک بحران جهانی مواجه است. شاید بزرگترین بحران گونه ما. تصمیماتی که مردم و دولت‌ها در چند هفته‌ی آینده می‌گیرند احتمالاً جهان سال‌های پیش رو را شکل خواهد داد. این تصمیمات نه تنها سیستم سلامت، بلکه اقتصاد، سیاست و فرهنگ ما را نیز، شکل خواهند داد. ما باید به سرعت و قاطع عمل کنیم و هم‌چنین باید پیامدهای بلند مدت عمل خود را در نظر بگیریم. وقتی در حال انتخاب بین گزینه‌های موجود هستیم نه تنها باید از خود پرسیم که چگونه بر این تهدید آنی فائق می‌آییم، بلکه هم‌چنین به این پرسش پاسخ دهیم که بعد از عبور از این طوفان در چه نوع جهانی زیست(زندگی) خواهیم کرد. بله، طوفان خواهد گذشت، گونه‌ی انسان نجات خواهد یافت و بیشتر ما زنده خواهیم ماند؛ اما در دنیایی متفاوت منزل خواهیم کرد.

بسیاری از اقدامات اضطراری کوتاه‌مدت تبدیل به بخش‌های جدایی‌ناپذیری از زندگی می‌شوند. این در طبیعت یک امر ضروری است. این‌ها فرایندهای تاریخی را تسریع می‌کنند. تصمیماتی که در حالت عادی به سال‌ها غور و بررسی نیاز دارند در مدت چند ساعت پذیرفته می‌شوند. تکنیک‌های نیازموده و حتی خطرناک در عرصه‌ی عمل به کار گرفته می‌شوند، چرا که خطر هیچ کاری انجام ندادن بیش‌تر است. در مقیاس کلان آزمایش‌های اجتماعی، کشورها در حکم موش‌های آزمایشگاهی هستند. چه اتفاقی می‌افتد هنگامی که همه در خانه کار کنند و تنها از دور با هم در ارتباط باشند؟ چه اتفاقی می‌افتد وقتی تمامی مدارس و دانشگاه‌ها به صورت مجازی برگزار شوند؟ در حالت عادی دولت‌ها، مشاغل و نظام آموزشی به هیچ وجه با اجرای طرح‌های آزمایشی این چنینی موافقت نخواهند کرد. اما شرایط کنونی شرایط عادی نیست.

در شرایط بحرانی امروز، ما با دو تصمیم روبرو هستیم که هر کدام منحصراً و در جای خود بسیار مهم هستند. اولین تصمیم، انتخاب بین نظارت توتالیتار (totalitarian surveillance) و توانمندسازی شهروندی (Citizen Empowerment) است. دومین تصمیم، انتخاب بین انزوای ملی (Nationalist isolation) و یکپارچگی جهانی (global solidarity) است.

نظارت زیر پوستی

به منظور پایان دادن به اپیدمی، ضروری است تمام جمعیت از یک راهنمای واحد پیروی کنند. دو راه اصلی برای رسیدن به این هدف وجود دارد. یک روش مختص دولت است که بر مردم نظارت کند و آنهایی را که قوانین را زیر پا می گذارند تنبیه کند. امروز برای اولین بار در تاریخ بشر تکنولوژی امکان نظارت بر همه کس و در همه حال را بوجود آورده است. ۵۰ سال پیش ک.گ.ب قادر به تعقیب ۲۴۰ میلیون شهروند اتحاد جماهیر شوروی در ۲۴ ساعت شبانه روز نبود و همچنین نمی توانست به این امید باشد که تمام اطلاعات جمع آوری شده را به صورت موثر پردازش کند. ک.گ.ب متکی به مأموران و تحلیل گران انسانی خود بود و امکان گماردن یک مأمور برای هر شهروند را نداشت. اما هم اکنون دولت ها می توانند به جای استفاده از جاسوس هایی از گوشت و خون به گیرنده های (Sensors) در همه جا حاضر و الگوریتم های قدرتمند اتکا کنند.

در جنگ علیه اپیدمی کرونا ویروس اکنون هم، بسیاری از دولت ها از این وسایل نظارتی جدید، بهره می گیرند. بارزترین نمونه چین است. قدرت حاکم بر چین نه تنها از طریق نظارت دقیق تلفن های هوشمند افراد، و نیز با بهره گیری از صدها میلیون دوربین تشخیص چهره و وادار کردن مردم به بررسی و گزارش دمای بدن و وضعیت پزشکی شان، به سرعت می تواند ناقلین مشکوک به کرونا ویروس را تشخیص دهد، بلکه می تواند رفت و آمد و تماس های افراد را نیز ردیابی کند. گستره ای از اپلیکیشن های موبایل طراحی شده است تا شهروندان را از نزدیک شدن به بیماران مبتلا آگاه سازند. این نوع تکنولوژی محدود به شرق آسیا نیست. نخست وزیر اسرائیل بنیامین نتانیاهو به آژانس امنیت اسرائیل این اجازه را داده است که تکنولوژی نظارتی را که در حالت عادی برای جنگ با تروریست ها در نظر گرفته شده بود، به منظور ردیابی بیماران مبتلا به ویروس کرونا به کار برد. هنگامی که کمیته های ذی ربط مجلس تفویض این اختیارات را نپذیرفتند، نتانیاهو از «اختیارات قانونی در مواقع اضطراری» (Emergency decree) برای رسیدن به مقصود خود استفاده کرد.

ممکن است ادعا کنید این چیز جدیدی نیست. در سال های اخیر هم دولت ها و هم شرکت ها تکنولوژی های حتی پیشرفته تری را برای ردیابی، نظارت و دست کاری افکار عمومی (Manipulate People) مورد استفاده قرار داده اند. با این وصف، اگر همچنان هشیار نباشیم، این اپیدمی ممکن است به نقطه ای عطفی در تاریخ نظارت بدل شود. نه تنها به دلیل عادی سازی به کارگیری ادوات نظارت جمعی در کشورهایی که تا امروز آن را نمی پذیرفتند، بلکه حتی بیش تر به این دلیل که نقطه عطف یک گذار دراماتیک را «از نظارت رو پوستی» به سوی نظارت زیر پوستی «سوق می دهد».

پیش از این ، هنگامی که انگشتان صفحه‌ی موبایل هوشمندتان را لمس می‌کرد تا بر روی یک لینک کلیک کند، آنچه که دولت می‌خواست بداند آن بود که دقیقاً انگشت شما بر روی چه چیزی کلیک کرده است اما با ویروس کرونا این خواست و تمرکز تغییر مسیر داده، در حال حاضر دولت به دنبال داشتن دمای انگشت شما و فشار خون در زیر پوست شماست.

پودینگ اضطراری

"The Emergency Pudding"

هنگامی که بر موضوع نظارت، دست می‌گذاریم، یکی از مشکلاتی که با آن روبرو هستیم این است که هیچکدام از ما دقیقاً نمی‌دانیم چگونه مورد نظارت قرار می‌گیریم و سال‌هایی پیش رو ممکن است با خود، چه چیزی برایمان به ارمغان بیاورد؟ تکنولوژی‌های نظارتی با سرعتی باور نکردنی در حال پیشرفت هستند و آنچه تا ده سال پیش علمی- تخیلی به نظر می‌رسید امروزه اخباری تاریخی گذشته به حساب می‌آیند. به عنوان یک آزمایش فکری (thought experiment)، دولتی فرضی را در نظر بگیرید که از تمامی شهروندان خواسته است که یک بازوبند بیومتریک (زیست سنجی) برای نظارت بر دمای بدن و ضربان قلب را ۲۴ ساعته به بازو ببندند، نتایج به دست آمده از الگوریتم‌های دولتی جمع‌آوری و تحلیل می‌شود، این الگوریتم‌ها پیش از آنکه خودتان بدانید، خواهند دانست که شما بیمار هستید و هم چنین می‌دانند که شما کجاها بوده‌اید و با چه کسانی ملاقات کرده‌اید. زنجیره‌های سرایت می‌تواند به شکل مؤثری کوتاه شود و حتی از هم بگسلند. یک همچنین نظامی می‌تواند طی چند روز به شکلی باور نکردنی جلو آپیدمی را بگیرد. به نظر عالی می‌رسد، نه؟

اما مطمئناً وجه بد قضیه (down side) این است که این نظام به یک سیستم نظارتی جدید وحشتناک، حقانیت می‌بخشد. برای مثال اگر شما بدانید که من بر لینک فاکس نیوز کلیک می‌کنم و نه سی.ان.ان. این می‌تواند به شما در مورد نقطه نظر سیاسی من و شاید حتی شخصیت من چیزی را برساند اما اگر شما بتوانید تغییرات دمای بدن، فشار خون و ضربان قلب من را هنگامی که کلیپ ویدیویی را تماشا می‌کنم نظارت کنید می‌توانید بفهمید که چه چیزی من را می‌خنداند، من را به گریه می‌اندازد و چه چیزی من را بشدت عصبانی می‌کند.

ضروری است که به یاد داشته باشیم که خشم، لذت، بی‌حوصلگی و عشق، پدیده‌های زیستی هستند درست مانند تب و سرفه. همان تکنولوژی که سرفه را تشخیص می‌دهد می‌تواند خنده را نیز تشخیص دهد. اگر شرکت‌ها و دولت‌ها شروع به درو اطلاعات زیستی ما در مقیاسی کلان بکنند، آنها می‌توانند ما را حتی بهتر از خودمان

بشناسند، و قادر خواهند بود از این پس نه تنها احساس‌های ما را پیش‌بینی کنند بلکه آنها را دست‌کاری کنند و به ما هر چیزی که می‌خواهند حقنه کنند، چه به صورت کالا باشد چه سیاست حزبی خاص. نظارت بیومتریک (زیست‌سنجی) تکنیک‌های دیتاهکینگِ کمبریج آنالیتیکا را به نظر، چیزی از مد افتاده جلوه می‌دهد. کره شمالی را در سال ۲۰۳۰ تصور کنید که تمام شهروندان مجبورند دست‌بندهای بیومتریک را ۲۴ ساعته به دست داشته باشند. اگر در حال گوش فرا دادن به سخنرانی «قائد اعظم» باشید و دست‌بندتان علائم خشم را در شما گزارش کند، شما از دست رفته‌اید.

البته شما می‌توانید خود را مجاب کنید که نظارت بیومتریک (زیست‌سنجی) یک روش موقتی است که هنگام وضعیت اورژانسی مورد استفاده قرار می‌گیرد و هنگامی که وضعیت اضطراری پایان یافت این روش هم، کنار گذاشته خواهد شد. اما اقدام‌های موقتی، خصلت بدی دارند و آن این که وضعیت‌های اضطرار را تداوم می‌بخشند، مخصوصاً به این دلیل که وضعیت‌های اضطراری جدید همواره در افق در کمین هستند. برای نمونه کشور مادری من اسرائیل، طی جنگ‌های استقلال ۱۹۴۸ وضعیت اضطراری اعلام کرد که بر گستره‌ای از اقدامات از سانسور مطبوعات و غصب سرزمین گرفته تا قواعد خاصی برای تهیه پودینگ وجهه قانونی نهاد. جنگ استقلال مدت مدیدی است که پیروز شده است اما اسرائیل هرگز وضعیت اضطراری را پایان نداد و در لغو بسیاری از اقدامات موقتی که از سال ۱۹۴۸ گرفته شده بودند، ناکام مانده است. (قانون پودینگ اضطراری به شکل خاضعانه‌ای در سال ۲۰۱۱ منسوخ شد.)

حتی زمانی که نرخ شیوع کرونا ویروس به صفر کاهش پیدا کند بعضی از دولت‌های حریص اطلاعات، این ادعا را مطرح خواهند کرد که نیاز است سیستم نظارت بیومتریک (زیست‌سنجی) بر جای خود باقی بماند. به این دلیل که آنها از موج دوم کرونا ویروس در هراس هستند یا به این دلیل که یک سویه جدیدی از ابولا در آفریقای مرکزی در حال تکامل است و یا ... خودتان حدس بزنید. در سال‌های اخیر، جنگی بزرگ بر سر حریم شخصی در حال درگرفتن است. بحران کرونا ویروس می‌تواند نوک تیز پیکان جنگ باشد. چرا که در انتخاب بین حریم شخصی و سلامت؛ مردم غالباً سلامت را انتخاب خواهند کرد.

پلیس صابون (Soap Police)

در حقیقت این که از مردم بخواهید میان حریم شخصی و سلامت یکی را انتخاب کنند، ریشه مشکل است، این انتخابی دروغین است. ما می‌توانیم و باید از هر دوی حریم شخصی و سلامت بهره ببریم. ما می‌توانیم حفاظت از سلامت‌مان را انتخاب کنیم و در نتیجه اپیدمی کرونا ویروس را پایان بدهیم نه به وسیله ایجاد یک رژیم نظارتی توتالیتار بلکه به وسیله توانمندسازی شهروندان. در چند هفته اخیر بعضی از موفق‌ترین تلاش‌ها برای سرکوب اپیدمی

کرونا ویروس توسط کره جنوبی، تایوان و سنگاپور اجرا شده است. این کشورها در حالی که تا حدودی از اپلیکیشن‌های ردیابی بهره بردند، بیشتر بر تست‌گیری‌های وسیع، گزارش‌دهی صادقانه و تمایل به همکاری دو سویه با عموم مردمی که به خوبی آگاه شده‌اند تکیه کردند.

نظارت متمرکز و تنبیه‌های شدید تنها راه مجاب کردن مردم در پذیرش خط‌مشی‌های مفید نیست، وقتی که به مردم واقعیت‌های علمی اطلاع‌رسانی بشود و مردم به مقامات دولتی اعتماد کنند که حقایق را به آنها منتقل می‌کنند شهروندان بدون نیاز به نظارت آقا بالا سر کاری را انجام می‌دهند که درست است. یک جمعیت خودانگیخته که به خوبی آگاه شده‌اند معمولاً بسیار قدرت‌مندتر و موثرتر از جمعیت ناآگاهی عمل خواهد کرد که مدام پایش شود.

برای مثال در نظر بگیرید در حال شستن دست‌هایتان با صابون هستید. این یکی از بزرگ‌ترین پیشرفت‌ها در تاریخ بهداشت انسانی بوده است. همین عمل ساده هر سال جان میلیون‌ها نفر را نجات می‌دهد. در حالی که ما آن را یک امر بدیهی در نظر می‌گیریم، تنها در قرن نوزدهم بود که دانشمندان به کشف اهمیت شستن دست‌ها با صابون نائل شدند! پیش از این حتی پزشکان و پرستاران در فاصله بین دو عمل جراحی دست‌هایشان را نمی‌شستند. امروزه میلیاردها انسان، روزانه دست‌هایشان را می‌شویند نه به این خاطر که از پلیس صابون ترس دارند، بلکه به این خاطر که از شواهد حقیقی آگاه هستند. من دست‌هایم را با صابون می‌شویم به این دلیل که از ویروس‌ها و باکتری‌ها آگاه هستم. من می‌دانم که این ارگانسیم‌های کوچک، بیماری‌زا هستند، و اینکه، صابون می‌تواند آنها را از بین ببرد.

اما برای رسیدن به چنین سطحی از پذیرش و همکاری دو جانبه شما به اعتماد نیاز دارید، مردم نیاز به اعتماد به علم، مقامات دولتی و رسانه‌ها دارند. در طول چند سال اخیر سیاستمداران غیر مسئول، تعمداً تیشه به ریشه اعتماد به علم، مقامات دولتی و رسانه‌ها زدند. حال همان سیاستمداران غیر مسئول ممکن است وسوسه شوند تا در شاهراه اقتدارگرایی برانند، در حالی که ادعا میکنند که نمیتوان به مردم اعتماد کرد که کار درست را انجام دهند.

طبیعی است اعتمادی که برای سال‌های متمادی خدشه‌دار شده است یک شبه بازسازی نمی‌شود اما الان زمان عادی نیست در دوران بحران باورها هم می‌توانند به سرعت تغییر کنند. شما می‌توانید برای سال‌ها دعوای مفصلی با فرزندان‌تان داشته باشید، اما هنگامی که وضعیت اضطراری اتفاق می‌افتد به ناگاه، ذخیره‌های پنهان از اعتماد و سازش کشف می‌شود، شما خواهید شتافت که به همدیگر یاری رسانید. به جای ایجاد یک رژیم نظارتی، هنوز برای بازسازی اعتماد مردم به علم، مقامات دولتی و رسانه‌ها آنچنان هم دیر نیست. ما حتماً می‌توانیم از تکنولوژی‌های جدید هم استفاده کنیم اما این تکنولوژی‌ها باید در راستای توانمندسازی شهروندان به کار گرفته شوند. من

کاملاً موافق این هستیم که دمای بدن و فشار خون من مورد ارزیابی قرار گیرد، ولی این داده‌ها نباید برای ایجاد یک حاکمیت مطلق به کار گرفته شود، بلکه این اطلاعات باید من را قادر سازد تا تصمیمات شخصی آگاهانه‌تری را اتخاذ کنم و همچنین حکومت را برای تصمیماتش مسئول، نگه دارد.

اگر من بتوانم وضعیت پزشکی خود را ۲۴ ساعته پایش کنم، نه تنها خواهم فهمید که آیا به تهدیدی برای سلامت سایرین تبدیل شده‌ام یا نه، بلکه همچنین خواهم فهمید کدام عادات من با سلامتی من در ارتباط است. و اگر بتوانم به آمارهای قابل اعتماد شیوع ویروس کرونا دسترسی داشته باشم و آنها را تحلیل کنم آنگاه خواهم توانست قضاوت کنم که دولت حقیقت را می‌گوید و سیاست‌های صحیحی را برای مبارزه با اپیدمی اتخاذ کرده است یا نه. هرگاه مردم از نظارت صحبت می‌کنند به یاد داشته باشید که همان تکنولوژی نظارتی که معمولاً می‌تواند توسط دولت و سایر ارگان‌ها برای نظارت بر افراد مورد استفاده قرار گیرد، همچنین می‌تواند به وسیله افراد برای نظارت بر دولت‌ها استفاده شود.

بنابراین همه‌گیری کروناویروس یک آزمون بزرگ شهروندی است، در روزهای پیش رو هر کدام از ما، ورای نظریه‌های توطئه بی‌اساس و سیاستمداران منفعت‌طلب، باید انتخاب کنیم که به داده‌های علمی و به متخصصان بهداشت و درمان اعتماد کنیم. اگر در تصمیم‌گیری درست شکست بخوریم ممکن است خودمان را در حال امضای واگذاری آزادی‌های عزیزمان بباییم، در حالی که فکر می‌کنیم در حال حفاظت از سلامتمان هستیم.

ما به برنامه جهانی نیاز داریم

دومین تصمیم مهمی که ما با آن روبرو هستیم انتخاب بین انزوای ملی و یکپارچگی جهانی است. هم خود اپیدمی و هم پیامدهای بحران اقتصادی ناشی از آن هر دو مسئله جهانی هستند. آنها تنها به وسیله همکاری جهانی می‌توانند بصورت کارآمد حل شوند.

اول و مهم‌تر، به جای مقابله با ویروس، ما نیاز به اشتراک اطلاعات به شکل جهانی داریم. این بزرگ‌ترین مزیت گونه انسان نسبت به ویروسها است. یک کرونا ویروس در چین با یک کرونا ویروس در آمریکا در رابطه با چگونگی بیماری‌سازی در انسان نمی‌تواند اطلاعاتشان را به اشتراک بگذارند ولی چین می‌تواند درس‌های ارزنده‌ای در رابطه با کرونا ویروس به آمریکا بدهد. آنچه یک پزشک در ایتالیا در شروع روز در میلان کشف می‌کند می‌تواند به خوبی جان‌هایی را عصر هنگام در تهران نجات بخشد. وقتی که دولت انگلستان در انتخاب میان سیاست‌های گوناگون به شک افتاده است، می‌تواند از کره‌ای‌هایی که یک ماه پیش با معضل مشابهی درگیر بودند، راهنمایی بگیرند. ولی برای اینکه چنین چیزی تحقق یابد ما نیاز به اعتماد و همکاری جهانی داریم.

کشورها باید خواستار این باشند که آشکارا اطلاعاتشان را در اختیار یکدیگر بگذارند و خاضعانه به دنبال کسب راهکار از همدیگر باشند و همچنین باید بتوانند به این داده‌ها و بینش‌هایی که کسب می‌کنند اعتماد کنند. ما همچنین برای تولید و توزیع تجهیزات پزشکی، به تلاش جهانی نیاز داریم به‌خصوص برای کیت‌های تست و ماشین‌های تنفسی (Respiratory Machine). به جای اینکه هر کشور به شکل منطقه‌ای عمل کند و هر تعداد تجهیزاتی که می‌تواند به دست آورد را انباشت کند، یک تلاش هماهنگ جهانی می‌تواند به صورت چشمگیری تولید تجهیزات را افزایش دهد و مطمئن شود که تجهیزات نجات‌بخش به صورت عادلانه‌تری توزیع می‌شود. همان طور که کشورها در دوره جنگ صنایع کلیدی را ملی می‌سازند، جنگ انسان بر علیه کرونا ویروس ممکن است ما را به سمت «بشری کردن» (Humanize) خط‌های ضروری تولید سوق دهد. یک کشور غنی با موارد ابتلای پایین باید راغب باشد که تجهیزات با ارزش را به کشوری فقیرتر با موارد ابتلاء بالا ارسال کند، و اعتماد داشته باشد اگر و هنگامی که آن کشور متعاقباً به کمک نیاز دارد سایر کشورها به یاریش خواهند آمد.

ما ممکن است برای ایجاد ائتلافی از پرسنل پزشکی، به تلاش جهانی مشابهی نیاز داشته باشیم. کشورهایی که فعلاً کمتر گرفتار هستند می‌توانند کادر پزشکی خود را به مناطقی که بیشتر درگیر هستند اعزام کنند تا در زمان نیاز به آنها کمک کنند و همچنین به این منظور که تجارب با ارزش را بدست آورند. اگر در آینده اپیدمی، تغییر جهت دهد کمک‌ها می‌توانند همگام با تغییر مسیر اپیدمی از کشورهای کمتر درگیر به کشورهایی که درگیری بیشتری دارند تغییر جهت دهد.

در حوزه اقتصادی نیز نیاز به همکاری جهانی، حیاتی است. نظر به ماهیت جهانی اقتصاد و زنجیره‌های منابع، اگر هر دولتی تنها به مسائل خود بدون در نظر گرفتن سایرین بپردازد، نتیجه، آشفتگی محض، و بحرانهای عمیق‌تر خواهد بود. ما به برنامه جهانی برای عمل نیاز داریم و ما سریعاً، به آن نیاز داریم.

نیاز دیگر رسیدن به توافق جهانی بر سر مسئله مسافرت است. لغو تمامی سفرهای بین‌المللی برای ماه‌ها، محرومیت‌های زیادی را در پی خواهد داشت و در روند جنگ علیه کرونا ویروس ممانعت ایجاد خواهد کرد. کشورها به منظور فراهم آوردن شرایطی که حداقلی از مسافران ضروری نظیر دانشمندان، پزشکان، خبرنگاران، سیاستمداران و بازرگانان به صورت قطره چکانی سفرهای بین‌المللی‌شان ادامه یابد، به همکاری جمعی نیاز دارند. این امر امکان‌پذیر است در صورتی که به یک توافق جمعی برسیم که در آن غربالگری اولیه مسافران در کشور مبدا صورت گیرد. اگر شما بدانید که تنها مسافرانی که به دقت غربال شده اند اجازه ورود به هواپیما را یافته‌اند شما بیش‌تر راغب خواهید بود که آنها را در کشور خود بپذیرید.

متأسفانه در حال حاضر کشورها به ندرت هیچ کدام از این موارد را انجام می‌دهند. یک رخوت عمومی گریبان جامعه جهانی را گرفته است. به نظر می‌رسد که هیچ آدم بالغی در جمع رهبران جهانی حضور ندارد. هفته‌ها پیش انتظار یک گردهمایی اضطراری از رهبران جهانی می‌رفت که در طی آن به یک برنامه عملیاتی مشترک دست یافته باشند. تنها در طول این هفته یک ویدیو کنفرانس توسط رهبران جی ۷ ترتیب داده شد که نتیجه آن هم به چنین برنامه‌ای منجر نشد.

در بحران‌های جهانی پیشین، مانند بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ و اپیدمی ابولا در ۲۰۱۴، ایالات متحده آمریکا در نقش رهبر جهانی در نظر گرفته شد. اما حکومت فعلی آمریکا وظیفه رهبری را واگذار کرده است. او خیلی واضح و روشن بیان کرده که به شکوه آمریکا، بسیار فراتر از آینده گونه انسان اهمیت می‌دهد.

این حکومت حتی نزدیک‌ترین هم‌پیمانان خود را رها کرده است. هنگامی که آمریکا تمام پروازها از اتحادیه اروپا را لغو می‌کرد حتی به خود زحمت نداد که از پیش، هشدار به اتحادیه اروپا بفرستد، چه برسد به اینکه در مورد این اقدام تند و تیز با اتحادیه اروپا مشورت بکند. حکومت فعلی آمریکا با پیشنهاد چیزی در حدود یک میلیارد دلار به یک شرکت داروسازی آلمانی به منظور خرید حق انحصار تولید واکسن کوید-۱۹، آلمان را شگفت زده کرد. حتی اگر حکومت فعلی نهایتاً خط‌مشی خود را تغییر دهد و به یک رویه‌ی جدید جهانی روی آورد، تعداد کمی از رهبری پیروی می‌کنند که، هرگز مسئولیتی نمی‌پذیرد، هرگز به اشتباهاتش اعتراف نمی‌کند و کسی که مکرراً اعتبار همه چیز را به خود نسبت می‌دهد در حالی که همه سرزنش‌ها را به دیگران.

اگر بپذیریم جای خالی مانده‌ی آمریکا، توسط سایر کشورها پر نشده است، این موضوع نه تنها متوقف کردن اپیدمی حاضر را بسیار سخت‌تر می‌کند، بلکه میراث آن همچنان طی سال‌های پیش رو به مسموم کردن روابط بین الملل، ادامه خواهد داد. با این حال هر بحرانی، همچنین، یک فرصت است. ما باید امیدوار باشیم که اپیدمی کنونی، در درک خطر حاد چندپارگی جهانی، به گونه انسان، کمک کند.

گونه انسان محکوم به انتخاب است. آیا ما تا بن ریشه‌های چندپارگی خواهیم رفت یا مسیر به سمت یکپارچگی جهانی را انتخاب خواهیم کرد؟ اگر ما چندپارگی را انتخاب کنیم تنها منجر به طولانی‌تر شدن بحران کنونی نخواهد شد، بلکه به فجایعی بسیار بدتر در آینده خواهد انجامید. اگر یکپارچگی جهانی را انتخاب کنیم نه تنها پیروزی‌ای در برابر کرونا ویروس خواهد بود، بلکه پیروزی است در برابر تمامی اپیدمی‌های آینده و بحران‌هایی که ممکن است بر گونه انسان در قرن ۲۱ بتازد.

منبع:

<https://www.ft.com/content/19d90308-6858-11ea-a3c9-1fe6fedcca75>